

श्रीगणेशाय नमः

بکارگیری

این گونه روایات است، چرا که در سایه آن راه درست تفسیر و برداشت روش مند از آیات قرآن طبق مکتب این بزرگواران برای ما روشن گشته و روش صحیح فهم و تفسیر آیات قرآن فرا روی ما قرار می گیرد.

چون ما را اعتقاد بر آن است که معصومین علیهم السلام بیش از هر کسی دیگر با کلام الهی آشنا بوده و پیوند ناگسستی آنان با کتاب خدا سبب شده است که در روایات تفسیری آنان آموزه های بسیار ارزشمندی که دارای برجستگی های خاص خود می باشند، پدید آید.

پس از این مقدمه کوتاه می گویم: با دقت و تدبیر در روایات تفسیری معصومین (ع) این نتیجه به دست می آید که آنان قرآن کریم را با روش ها و شیوه های مختلفی تفسیر نموده اند، گاهی برای روشن نمودن یک آیه از آیه دیگری استفاده برده و به کمک آن آیه معنا و مفهوم آیه پیشین را تبیین فرموده اند.

الف) روش تفسیر قرآن به قرآن

یکی از مهمترین شیوه ها و روش های ائمه علیهم السلام تفسیر قرآن به قرآن می باشد، این روش عبارت است از بهره گیری از برخی آیات برای روشن نمودن آیات دیگر و کشف و توضیح آیه ای به آیات دیگر.^۱

در این روش گاهی آیه ای به وسیله آیه دیگر تفسیر گردیده و گاهی دیگر بخش های مختلف یک آیه همدیگر را تفسیر می نمایند. (تفسیر صدر و ذیل به کمک یکدیگر).

این روش موارد بسیاری از تفسیر معصومین (ع) را شامل است و شاید بتوان گفت که بیشترین روایات را به خود اختصاص داده است از میان روایات انبوهی که در این زمینه وجود دارد به عنوان نمونه ۱۰ مورد ذیل را بنگرید.

۱- در تفسیر آیه «الذین آتیناهم الكتاب يعرفونه»،^۲ امام صادق (ع) فرمودند:

نزلت هذه الآية في اليهود والنصارى: يقول الله تبارك و تعالی: «الذین آتیناهم الكتاب يعرفونه» یعنی رسول الله (ص) «کما يعرفون ابناهم» لان الله عزوجل قد انزل علیهم فی التوریه و الانجیل و الزبور صفة محمد (ص) و صفة اصحابه و مبعثه و مهاجره، و هو قوله تعالی: «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تربهم رکعاً سجداً یتفتنون فضلاً من الله و رضواناً سیماهم فی وجوههم من اثر السجود

در این مقاله جهت نشان دادن کار آمدی روایات تفسیری و لزوم اهتمام و توجه به آنها، به طور مشخص نقش کاربردی این روایات در زمینه استخراج روش های تفسیری به کار گرفته شده توسط معصومین (ع) به بحث گزارده شده است و با بررسی وسیع و ذکر موارد و نمونه ها، این نتیجه به دست آمده است که یکی از ارزنده ترین موارد کاربرد روایات تفسیری استخراج روشهایی است که ائمه (ع) به هنگام تفسیر کتاب خدا از آنها بهره برده اند. در سایه این شناخت، راههای درست تفسیر و برداشتهای روش مند از آیات قرآن طبق مکتب اهل بیت آشکار می گردد، نتیجه این بررسی نشان می دهد که ائمه (ع) از یک روش خاص استفاده نکرده اند، بلکه با روشها و شیوه های مختلفی به تفسیر وحیانی پرداخته اند، گاهی برای روشن نمودن یک آیه از آیه دیگری استفاده برده و به کمک آن آیه معنا و مفهوم آیه پیشین را تبیین فرموده اند، دیگر گاه برای تفسیر یک آیه از سنت بهره گرفته اند و به گفته و یا کردار پیامبر (ص) و یا دیگر ائمه استشهاد نموده اند.

در مواردی لغت را به مدد گرفته اند و یا با تکیه بر قواعد ادبیت (صرف و نحو و معانی و بیان) آیه را تفسیر کرده اند، زمانی نیز با استفاده از تمثیل و تشبیه به تفسیر پرداخته اند، در برخی موارد دیگر از عقل و برهان عقلی کمک گرفته اند و گاهی نیز با شیوه های علمی و بهره برداری از علوم طبیعی به تفسیر آیاتی پرداخته اند، در هر حال مهمترین موارد همین ها است که به تفصیل در این مقاله می خوانید.

کلید واژه ها: تفسیر، روشها، معصومین.

کاربرد روایات در استخراج روش های

تفسیری معصومین (ع)

آنچه در این نوشتار مورد گفتگو است نشان دادن کار آمدی روایات تفسیری جهت به دست آوردن روش تفسیری معصومین (ع) است، به تعبیر دیگر به دنبال آنیم که بگویم از جمله مهمترین موارد کاربرد روایات تفسیری، بهره گیری از این روایات جهت استخراج روش های تفسیری به کار برده شده توسط ائمه (ع) است.^۱

پس هدف در این جا آشنایی با شیوه ها و روش هایی است که معصومین (ع) در برداشتهای تفسیری خویش آنها را به کار برده اند و بی گمان این یکی از ارزنده ترین فوائد مترتب بر

ذلک مثلهم

فی التوراة و مثلهم فی

الانجیل»^۲... فهذه صفة رسول الله فی

التوریه و الانجیل و صفة اصحابه، فلما بعثه

الله عزوجل، عرفه اهل الكتاب، كما قال جل

جلاله، «فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به»^۳

یعنی: اهل کتاب پیامبر (ص) را همانند فرزندان خود

می شناختند، در تورات و انجیل و زیور، صفات پیامبر (ص)

و یارانش آمده است و همچنین بعثت و مهاجرت آن

حضرت نیز بیان گردیده است.

آنگاه امام به آیه ۲۹ از سوره فتح اشاره می فرماید: که

می گوید: محمد (ص) پیامبر خداست و کسانی که با او بند بر

کافران سخت گیر و با همدیگر مهربانند، آنان را بر رکوع و

سجود می بینی. فضل و خوشنودی خدا را خواستارند.

مشخصه آنان بر اثر سجود در چهره هایشان است این صفت

آنان است در تورات، و مثل آنها در انجیل...»

سپس امام در دنباله سخن خویش جهت تبیین بیشتر آیه به

آیه ۸۹ از سوره بقره استدلال می نماید که می فرماید: اهل

کتاب با شناختی که از صفات پیامبر (ص) و یاران او داشتند،

وقتی پیامبر (ص) برای هدایت آنها آمد، او را انکار نموده و به

او کفر ورزیدند.

همانگونه که ملاحظه گردید در حدیث فوق آیه ای از

سوره انعام به وسیله دو آیه از سوره های بقره و فتح تبیین و

تفسیر گشت.

۲- امام علی (ع) ضمن حدیثی آیه «لا ینال عهدی

الظالمین»^۴ را با استناد به آیه «ان الشکر لظلم عظیم»^۵ چنین

تفسیر نموده اند: ... قد حظر علی من ماسه الکفر تقلد ما فوضه

الی انبیائه و اولیائه یقول لابراهیم: «لا ینال عهدی الظالمین» ای

المشرکین، لانه سمی الشکر ظلماً بقوله «ان الشکر لظلم

عظیم»^۶.

در حدیث فوق آیه ۱۲۴ از سوره بقره به وسیله آیه ۱۳ از

سوره لقمان تفسیر گردیده است.

۳- امام علی (ع) نعمت داده شدگان مذکور در آیه «صراط

الذین انعمت علیهم» را به کمک آیه ۶۹ از سوره نساء، کسانی

دانسته اند که توفیق دینداری و اطاعت حضرت حق

نصیبشان گشته و نه بهره مندان از مال و سلامتی.

آن حضرت فرمودند: «صراط الذین انعمت علیهم» ای

قولوا: اهدنا الصراط الذین انعمت علیهم بالتوفیق لدینک و

طاعتک و هم الذین قال الله عزوجل: «و من یطع الله و الرسول

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و

الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً»^۷.

۴- در حدیث ذیل امام حسن مجتبی (ع) الشاهد و

المشهد در سوره مبارکه بروج را با توجه به آیه ۴۵ سوره

احزاب و آیه ۱۰۳ سوره هود، به پیامبر (ص) و روز قیامت

تفسیر نمودند، این در حالی بود که قبل از ایشان هر کدام از

ابن عباس و ابن عمر شاهد و مشهد را به گونه دیگر تفسیر

نموده بودند، متن حدیث چنین است.

روی ان رجلاً دخل مسجد الرسول (ص) فاذا رجل

یحدث عن رسول الله (ص) قال: فسألته عن الشاهد و

المشهد، فقال: نعم، اما الشاهد یوم الجمعة و المشهد یوم

عرفة، فجزته الی آخر یحدث عن رسول الله (ص) فسألته عن

ذلک، فقال: اما الشاهد فیوم الجمعة و اما المشهد فیوم النحر،

فجزتها الی غلام کان وجهه (النار) و هو یحدث عن رسول

الله (ص) فقلت: اخبرنی عن شاهد و مشهد فقال: اما الشاهد

محمد (ص) و اما المشهد فیوم القیامة: اما سمعت الله

سبحانه یقول: یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً^۸

و قال ذلک یوم مجموع له الناس و ذلک یوم مشهد. ^۹

فسألته عن الاول، فقالوا: ابن عباس و سألت عن الثانی فقالوا:

ابن عمر و سألت عن الثالث فقالوا الحسن بن علی (ع). ^{۱۰}

۵- امام صادق (ع) از جد بزرگوارش امام حسن (ع) نقل

کرده اند که در تفسیر واژه الصمد در سوره مبارکه توحید آن

حضرت در پاسخ اهل بصره چنین فرمودند ... و ان الله

سبحانه فسر الصمد، فقال: الله احد، الله الصمد، ثم فسر فقال:

لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفو احد.^{۱۱}

۶- جمیل بن دراج می گوید از امام صادق (ع) پرسیدم که

سکینه در آینه کریمه «هو الذی انزل السکینه فی قلوب

المؤمنین» به چه معناست، آن حضرت فرمودند: مقصود

ایمان است، چنانکه خداوند در دنباله آیه فرمودند: «لیزدادوا

ایماناً مع ایمانهم»^{۱۲}.

۷- ابی صلت هروی گوید امام رضا (ع) در مجلس مأمون به

هنگام سخن گفتن درباره عصمت پیامبران فرمودند: و اما

قوله «و ذا النون اذ ذهب مغاضباً فظن ان لن نقدر علیه»^{۱۳}، اما

ظن بمعنی استیقن ان له یضیق علیه رزقه، الا تسمع قول الله

عزوجل «و اما اذا ما ابتلیه فقدر علیه رزقه»^{۱۴} ای ضیق علیه

رزقه.^{۱۵}

۸- امام زین العابدین (ع) در مقام بیان معنای عصمت و

لزوم آن برای امام (ع) ابتداء معصوم را به معتصم بحبل الله که

در آیه مبارکه (اعتصموا بحبل الله جمیعاً) آمده است معنا نموده

و سپس در مقام تفسیر حبل الله به آیه ۹ از سوره مبارکه اسراء استناد می نمایند و چنین می فرمایند:

الامام منا لا يكون الا معصوماً، وليست العصمة في ظاهر الخلقة فيعرف بها، و لذلك لا يكون الا منصوباً، فقيل له، يابن رسول الله! فما معنى المعصوم؟ فقال: هو معتصم بحبل الله و حبل الله هو القرآن، لا يفترقان الى يوم القيامة، و الامام يهدى الى القرآن، و القرآن يهدى الى الامام، و ذلك قول الله عزوجل: «ان هذا القرآن يهدي للتي هي اقوم...»^{۳۳} و^{۳۴}

۹- امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از معنای ختم در آیه مبارکه «ختم الله على قلوبهم و على سمعهم...»^{۳۳} فرمودند: الختم هو الطبع على قلوب الكفار، عقوبة على كفرهم، كما قال الله عزوجل: «بل طبع الله بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلاً»^{۳۵} و^{۳۶}

۱۰- در حدیث ذیل امام زین العابدین(ع) با استناد به بخشی از آیه بخش دیگر آن را تفسیر فرموده و سپس آیات بعدی را در تفسیر آیات قبل مورد استفاده قرار داده است متن حدیث چنین است: کلام لعلى بن الحسين فى الرعظ و الزهد فى الدنيا، يقول فيه: لقد اسمعكم الله فى كتابه ما قد فعل بالقوم الظالمين من اهل القرى قبلكم حيث قال: «وكم قصمنا من قرية كانت ظالمة» و انما عنى بالقرية اهلها حيث يقول و انشأنا بعدها قرماً آخرين فقال عزوجل: «فلما احسنوا بأنسنا اذا هم منها يركضون» يعنى يهربون قال «لا تركضوا وارجعوا الى ما اترفتم فيه و مسانكتكم لعلكم تسألون» فلما اتاهم العذاب «قالوا يا ويلنا انا كنا ظالمين فما زالت تلك دعواهم حتى جعلناهم حصيداً خامدين»^{۳۶}

و ايم الله ان هذه عظة لكم و تحويرف ان اتعظتم و خفتتم.^{۳۷}

ب) روش تفسیر قرآن به سنت

یکی دیگر از روش ها و شیوه های تفسیری معصومین(ع) تفسیر قرآن به وسیله سنت پیامبر و دیگر معصومان است.

در این روش ائمه علیهم السلام در تفسیر آیه به سنت پیامبر(ص) و یا دیگر امامان معصوم(ع) استناد کرده و به مدد سنت آیه را تبیین و تفسیر نموده اند.

به عنوان نمونه سه مورد ذیل را بنگرید.

۱- عن زرارة، قال: سألت ابا جعفر(ع) عن التيمم؟ فقال: ان عمارة بن ياسر اتى النبي(ص) فقال: اجنبت و ليس معى ماء، فقال: كيف صنعت؟ يا عمارة قال: نزع ثيابى، ثم تمعكت على الصعيد، فقال: هكذا يصنع الحمار، انما قال الله: «فامسحوا بوجوهكم و ايديكم منه»^{۳۸} ثم وضع يديه جميعاً على الصعيد، ثم مسحهما، ثم مسح من بين عينيه الى اسفل حاجبيه، ثم وضع احدى يديه بالاخرى على ظهر الكف بدأ

باليمين.^{۳۹}

زراره گوید از امام

باقرا(ع) درباره تیمم سؤال کردم، آن

حضرت فرمودند: عمار بن یاسر به نزد

پیامبر(ص) آمد و گفت: جنب گشتم و آب همراه

نداشتم. پیامبر(ص) از او پرسید: چه کار کردی؟ عمار

گفت: لباس از تن برون کرده و بر خاک غلطیدم، فرمود:

الاع این گونه عمل می نماید خداوند تبارک و تعالی فرموده:

«فامسحوا بوجوهكم و ايديكم منه» آنگاه دستش را بر خاک

نهاد آن دو را بر هم زد، صورت را مسح نمود. سپس با شروع

از دست راست پشت دستش مسح نمود.

۲- ابراهيم بن عباس الصوفى الكاتب، قال: كنا يوماً بين

يدى على بن موسى الرضا (ع) فقال: ليس فى الدنيا نعيم

حقيقى، فقال له بعض الفقهاء ممن يحضره، فيقول الله

عزوجل: ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم.^{۴۰} اما هذه النعيم فى

الدنيا و هو الماء البارد. فقال له الرضا(ع) و علا صوته كذا

فسرتموه انتم و جعلتموه على ضروب؟ فقالت طائفة: هو

الماء البارد، و قال غيرهم: هو الطعام الطيب. و قال آخرون: هو

طيب الثوم، و لقد حدثنى ابى، عن ابىه ابى عبد الله(ع) ان

اقوالكم هذه ذكرت عنده فى قول الله عزوجل: «لتسئلن

يومئذ عن النعيم» فغضب، و قال: ان الله عزوجل لا يسأل

عباده عما تفضل عليهم به، و لا يمن بذلك عليهم، و الامتان

بالانعام مستقيح من المخلوقين، فيكف يضاف الى الخالق

عزوجل ما لا يرضى المخلوقين به؟ و لكن النعيم، جنبنا اهل

البيت و موالاتنا، يسأل الله عنه بعد التوحيد و النبوة، لان العبد

اذا وفى بذلك اذاه الى نعيم الجنة الذى كان لا يزول، و لقد

حدثنى بذلك ابى، عن ابىه، عن محمد بن على، عن ابىه على

بن الحسين، عن الحسين بن على عليهم السلام انه قال: قال

رسول الله(ص) اول ما يسئل عنه العبد بعد موته، شهادة ان لا

اله الا الله و ان محمداً رسول الله، و انك ولى المؤمنين بما

جعل الله و جعلته لك، فمن اقر بذلك و كان معتقده صار الى

النعيم الذى لا زوال له.^{۴۱}

در محضر امام رضا(ع) از نعمت مورد سؤال در قیامت

سخن به میان آمد. بعضی گفتند: منظور آب سرد است، امام

رضا با صدای بلند فرمودند: چرا این چنین تفسیر می کنید.

آنگاه فرمود، پدرم فرمود همین مسأله نزد جدم امام

صادق(ع) مطرح گشت و عده ای نیز چنین پاسخ دادند اما آن

حضرت خشمگین شد و فرمود: نعيم، محبت نسبت به ما

اهل بيت پیامبر(ص) است، سپس امام صادق(ع) برای

روشن نمودن معنای نعیم به گفته امامان پیشین استناد فرمود تا آنجا که از قول امام حسین (ع) و او از قول پیامبر (ص) نعیم را به ولایت همیشگی ائمه اطهار علیهم السلام تفسیر نمودند.

۳- امام صادق (ع) در تفسیر «و اکلهم السحت»^{۳۳} فرمودند قال امیر المؤمنین من السحت ثمن المیتة و ثمن الکلب و مهر البغی و الرشوة فی الحکم و اجر الکاهن.^{۳۳} یعنی: پول خرید و فروش مردار و سگ، اجرت و مزد زن فاجره، رشوه در قضاوت و مزد کاهن، سخت شمرده می شود.

ج) روش تفسیر به لغت و علوم ادبی

یکی از روش هایی که معصومان علیهم السلام در تفسیر قرآن به کار برده اند بازگو نمودن معنای لغوی و یا تفسیر نمودن آیات با تکیه بر قواعد ادبی می باشد، در اینجا فقط به آوردن سه مورد بسنده می شود.

۱- عن علی (ع) فی قوله تعالی «الذین یظنون انهم ملائکة ربهم»^{۳۴} یقول: یوقنون انهم مبعوثون و الظن منهم یقین.^{۳۵} ظن در اینجا به معنای یقین است و این یکی از دو معنای این واژه می باشد.^{۳۶}

۲- عن مسعدة بن صدقة، قال: سمعت ابا عبد الله (ع) یقول و یسئل عن الامر بالمعروف و النهی عن المنکر اواجب علی الامة جمیعاً فقال لا فقیل له و لم قال: انما هو علی القوى المطاع العالم بالمعروف من المنکر، لا علی الضعیف ... و الدلیل علی ذلك کتاب الله تعالی «و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»^{۳۷} فهذا خاص غیر عام کما قال الله تعالی «و من قوم موسی امة یتهدون بالحق و به یعدلون»^{۳۸} و لم یقل علی امة موسی و لا علی کل قومه ...^{۳۹}

در حدیث فوق امام (ع) با استدلال به «من» در «منکم» و نیز «من قوم موسی» عدم وجوب امر به معروف بر همه افراد و وجوب آن را بر کسانی که علم و توانایی انجام آن را داشته باشند بیان فرمودند.

۳- در تفسیر قمی در ذیل آیه مبارکه «ثم یتأتی من بعد ذلك عام فیه یغاث الناس و فیه یعصرون»^{۴۰} آمده است که: قرأ رجل علی امیر المؤمنین (ع) ثم یتأتی ... و فیه یعصرون علی البناء للفاعل فقال: ویحک ای شیء یعصرون؟ یعصرون الخمر؟ قال الرجل: یا امیر المؤمنین، کیف

اقرءهما؟ فقال: انما نزلت و فیه یعصرون ای یطرون بعد سنی الجماعة، و الدلیل علی ذلك قوله «و انزلنا من المعصرات ماء ثجاجاً»^{۴۱}

د) روش تفسیر با استفاده از تمثیل و تشبیه

در این روش از جانب معصومین (ع) با ارائه نمونه های خارجی و حسی و استفاده از تشبیه معنای آیه مورد نظر تفسیر و تبیین گردیده است.

سه مورد ذیل را بنگرید:

۱- فی سؤال بعض اليهود علیاً (ع) عن الواحد الی الماء، قال له اليهودی: فأین وجه ربک؟ فقال علی بن ابیطالب (ع): یابن عباس! اتینی بنار و حطب فاتیته بنار و حطب، فاضرمها، ثم قال: یا یهودی! این یکون وجه هذا النار؟ فقال: لا اقف لها علی وجه، قال: ربی عزوجل علی هذا المثل: «و لله المشرق و المغرب فأینما تولوا فثم وجه الله»^{۴۲}

یکی از یهود در محضر امام علی (ع) پرسش هایی را مطرح نمود از جمله اینکه پرسید، وجه پروردگار تو کجاست؟ حضرت به ابن عباس دستور دادند، هیزم آورده و آتشی بر افروختند سپس به سؤال کننده گفت: روی این آتش کدام است؟ در پاسخ گفت: رویی ندارد. امام (ع) فرمودند: پروردگارم چنین است. و در پایان نیز آیه ای را تلاوت کردند که: مغرب و مشرق همه از آن خداست، به هر طرف روی کنید وجه الله آنجاست.

۲- تلا ابو عبد الله (ع) هذه الایة: «و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلك قواماً»^{۴۵}

قال: فاخذ قبضة من حصی و قضبها بیده، فقال: هذا الاقتار الذی ذکره الله عزوجل فی کتابه، ثم قبض قبضة اخرى، فارخی کفه کلها، ثم قال: هذا الاسراف، ثم اخذ قبضة اخرى، فارخی بعضها و امسک بعضها و قال: هذا القوام.^{۴۶}

امام صادق (ع) به هنگام تلاوت آیه مبارکه «و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلك قواماً»^{۴۷} مقداری ریگ در دست مبارکشان گرفتند. یک بار مشت را محکم گرفتند، بار دوم، باز کردند تا همه ریگ ها ریخت و دفعه سوم با حالت نیم باز برخی را حفظ و مقداری را رها ساختند و سپس فرمودند این قوام و اعتدال یعنی حد وسط میان اقتار و اسراف است.

۳- در تفسیر قمی چنین آمده است: و قوله «کلما نضجت جلودهم بدلناهم جلوداً غیرها لیذوقوا العذاب ان الله کان عزیزاً حکیماً»^{۴۸} فقیل لابی عبد الله (ع) کیف تبدل جلودهم غیرها؟ قال: رأیت لو اخذت لبنة فکسرتها و صیرتها تراباً، ثم

ضربتھا فی القلب، اھی الھی کانت؟ انھا هی ذلک و حدث تفسیر آخر و الاصل واحد.^{۲۹}
امام صادق (ع) در حدیث فوق در پاسخ سؤال از کیفیت تبدل پوست های جهنمیان و ... با یک مثال ساده و تشبیه پوست جهنمیان به آجری که آن را چندین بار خرد کرده و دوباره در قالب ریخته باشند و ... معنای آیه را تبیین و تفسیر نمودند.

ه) روش تفسیر عقلی

یکی از روش های که معصومان علیهم السلام در تفسیر قرآن به کار برده اند و با استفاده از آن روش به تبیین و تفسیر برخی آیات پرداخته اند، روش تفسیر عقلی است، در این روش که عمدتاً در تفسیر آیات مربوط به اعتقادات کاربرد دارد از براهین و اصول و قواعد عقلی استفاده شده است. گفتنی است که در برخی موارد با تصریح به اصول و قوانین عقلی و گاهی بدون تصریح و فقط با بیان مطالب مبنی بر این قواعد این نوع تفسیر صورت پذیرفته است، به عنوان نمونه به سه مورد اشاره می شود.

۱- در تفسیر آیه مبارکه «كَلَّا اِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ»^{۵۰} امام رضا (ع) می فرماید: «ان الله تبارک و تعالی لا یوصف بمکان یحل فیہ فیحجب عنه فیہ عباده و لکن عزوجل یعنی انهم عن ثواب ربهم محجوبون»^{۵۱} این که خداوند می فرماید: کفار از پروردگارشان پوشیده شده اند، منظور پوشش مکانی نیست به این شکل که خداوند در مکانی و پرده ای بین او و کفار قرار داشته باشد زیرا خداوند مکان ندارد بلکه منظور این است که آنها از ثواب پروردگارشان محرومند.

۲- حدیث ذیل را نیز بنگرید، عن هشام بن الحکم: قال: قلت لابی عبدالله (ع) ما الدلیل علی ان الله واحد؟ قال (ع) اتصال التدبیر و تمام الصنع، كما قال الله عزوجل «لو کان فیہما آلهة الا الله لفسدنا»^{۵۲}

از امام صادق (ع) پرسیدم دلیل بر یگانگی خدا چیست؟ آن حضرت برای اثبات یگانگی خداوند به اتصال تدبیر در تمام اجزای جهان هستی استدلال کردند که لازمه آن وجود مدبر واحد است. چنان که در آیه ای خداوند به این مطلب اشاره کرده و می فرماید: اگر خدایانی در آسمان و زمین می بود به فساد کشیده می شدند.

۳- امام صادق (ع) در تفسیر آیه مبارکه «ولا تزر وازرة وزر اخرى»^{۵۳} فرمودند: لا یأخذ الله عزوجل البریء بالسقیم، ولا یعذب الله عزوجل الاطفال یذنوب الالباء، فانه قال فی محکم

کتابه

ولا تزر وازرة وزر اخرى»^{۵۴}

خداوند انسان سالم را به جای مریض مجازات نمی کند، هم چنین اطفال را با گناه پدرانشان عذاب نمی نماید، چنانکه خداوند فرمود: کسی بار دیگری را به دوش نمی کشد.

و) روش تفسیر علمی

شاید بتوان گفت: یکی از روش های تفسیری معصومین (ع) روش تفسیر علمی است، به این معنا که گاهی در روایات تفسیری که از جانب آن بزرگواران به دست ما رسیده اشاراتی به برخی مباحث علمی شده است که با علوم جدید نیز مطابق است، به عنوان نمونه چند مورد ذیل آورده می شود.

۱- امام علی بن ابیطالب (ع) در تفسیر آیه شریفه «فلا اقسام برب المشارق و المغرب»^{۵۵} فرمودند: «لها ثلاث و مائة و ستون مشرقاً و ثلاث مائة و ستون مغرباً، فیومها الذی تشرق فیہ لا تعود فیہ الا من قابل و یومها الذی تغرب فیہ لا تعود فیہ الا من قابل»^{۵۶}

در این حدیث امام علی (ع) مشارق و مغارب را که در آیه به صورت جمع آمده است چنین توجیه می فرماید: برای مشرق ۳۶۰ (درجه) و برای مغرب ۳۶۰ (درجه) بوده و در هر درجه مشرقی دارد که در مقابل آن به طرف دیگر مغربی موجود است و اگر زمین مسطح بود این بیان صحیح نمی بود و ...

تا آنجا که از نظر علمی و تاریخی تحقیق شده است پیش از امام علی (ع) این سخن از کسی شنیده نشده و اروپائیان پس از قرنها کروییت زمین را کشف کردند.^{۵۸}

۲- امیرالمؤمنین علی (ع) از پیامبر (ص) پیرامون ستاره جدی در ذیل آیه مبارکه «و بالنجم هم یهتدون»^{۵۹} حدیثی نقل فرموده که پس از قرن ها مورد تأیید و گواهی علم روز قرار گرفته است. حدیث این است:

عن علی بن ابیطالب (ع) قال: قال رسول الله (ص) «و بالنجم هم یهتدون» قال: هو الجدی، لانه نجم لا یزول و علیه بناء القبلة، و به یهتدون اهل البر و البحر.^{۶۰}

یعنی: مقصود از این نجم ستاره جدی است که دائماً موجود است و مبنای قبله بر آن است، و در دریا و صحرا به وسیله آن راهنمایی و هدایت صورت می گیرد.

۳- امام رضا (ع) در تفسیر آیه مبارکه «و السماء ذات الحبک»^{۶۱} فرمودند: هی محبوكة الى الارض و تشبک بین

اصابعه؟
فقلت كيف يكون محبوبك
الى الارض و الله يقول: «رفع السماء
بغير عمد ترونها» فقال: سبحان الله! ليس الله
يقول: بغير عمد ترونها؟ فقلت: بلى، قال: فشم عمد
لكن لا ترونها...^{۶۲}

گفتنی است که امروز علم و دانش این نکته را
روشن ساخته است که آنچه واقعیت دارد این است که
کرات آسمان هر کدام در مدار و جایگاه خود مطلق و
ثابت اند و ستونهایی نامرئی آنها را نگه داشته و بی آن که
تکیه گاهی داشته باشند، و تنها چیزی که آن را در جای
خود ثابت می دارد، تعادل قوه جاذبه و دافعه است که یکی
ارتباط با جرم این کرات دارد و دیگری مربوط به حرکت
آنها است.

این تعادل جاذبه و دافعه به صورت یک ستون نامرئی
کرات آسمان را در جای خودش ثابت نگه داشته است.

حدیثی که از امیرالمؤمنین علی (ع) در این زمینه نقل شده،
بسیار جالب است که: هذه النجوم التي في السماء مدائن مثل
مدائن الارض، مربوطه كل مدينة الى عمود من نور.^{۶۳}

این ستارگان که در آسمانند، شهرهایی هستند همچون
شهرهای روی زمین که هر شهری با شهر دیگر (هر ستاره‌ای
با ستاره دیگر) با ستونی از نور مربوط است.^{۶۴}

ز) روش تفسیر به تاریخ

یکی از روش‌هایی که ائمه (ع) در تفسیر آیات قرآن به کار
برده و با این روش برخی آیات را تبیین نموده‌اند، روش
تفسیر به تاریخ و قصص گذشتگان است، یعنی با توجه به
تاریخ و قصص پیشینیان یک سری آیات را تبیین نموده و با
انکشاف به حوادث و رویدادها آنها را روشن فرموده‌اند.

اینک به عنوان نمونه سه مورد را یاد آور می‌شویم.

۱- برادران یوسف وقتی از مصر بازگشتند بارهای خود
را گشوده و گفتند: «يا ابانا ما نبغى هذه بضاعتنا ردت الينا و
نمير اهلنا»^{۶۵} در توضیح این آیه و اینکه تهیه مواد غذایی از
جانب آنان چگونه صورت پذیرفته ابا بصیر از قول امام
باقر (ع) نقل می‌کند که قال: لما فقد يعقوب (ع) يوسف (ع)
اشند حزنه عليه و بكاؤه حتى ابضت عيناه من الحزن، و
احتاج حاجة شديدة، و تغيرت حاله، و كان يمتار القمح من
مصر في السنة مرتين في الشتاء و الصيف و انه بعث عدة من
ولده بضاعه يسيرة الى مصر...^{۶۶}

۲- امام صادق (ع) در پاسخ ابان بن تغلب که پرسید چرا

فرعون را ذی الاوتاد گفته‌اند می‌فرماید: لانه كان اذا عذب
رجلاً بسطه على الارض على وجهه و مد يديه و رجليه
فاوتادها باربعة اوتاد في الارض و ربما بسطه على خشب
منبسط فوتد رجليه و يديه باربعة اوتاد ثم تركه على حاله
حتى يموت فسماه الله عزوجل فرعون ذى الاوتاد.^{۶۸،۶۷}
یعنی: فرعون بدنهای بردگان یا مخالفان خویش را بر
چوبی می‌خواباند و دو دست و پای آنها را چهار میخ کرده و
در همان حال رها می‌نمود تا بمیرند.

۳- امام باقر (ع) در تفسیر آیه مبارکه «فطال عليهم الامد
فقست قلوبهم»^{۶۹} فرمودند لم يزل بنو اسماعيل ولاة البيت و
يقيمون للناس حجهم و امر دينهم، يتوارثونه كابر عن كابر،
حتى كان زمن عدنان بن ادد، فطال عليهم الامد فقست
قلوبهم و فسدوا و احدثوا في دينهم و اخرج بعضهم
بعضاً.^{۷۰}

یعنی، ولایت بر کعبه پیوسته در میان فرزندان اسماعیل
بود و آنان برای مردم مناسک حج را می‌گزارند و به اقامه
امور دینی می‌پرداختند، نسل اندر نسل این منصب در دست
آنان بود تا اینکه در زمان عدنان بن ادد فساد آنان را گرفت و
بدعت‌گذاری در دین کردند و برخی به دست دیگری رانده
شدند.

نتیجه

با تذکر این نکته که در این نوشتار هدف آن بود که نشان
داده شود، یکی از موارد کاربرد روایات تفسیری استخراج
شیوه و روش‌های به کار گرفته شده توسط معصومان (ع) در
تفسیر آیات قرآن کریم است. یاد آور می‌شود که در این
تحقیق به این نتیجه رسیدیم که مهمترین روش‌های مورد
استفاده ائمه به اختصار عبارتند از:

۱- روش تفسیر قرآن به قرآن، ۲- روش تفسیر قرآن به
سنت، ۳- روش تفسیر به لغت و علوم ادبی، ۴- روش تفسیر
با استفاده از تمثیل و تشبیه، ۵- روش تفسیر عقلی، ۶- روش
تفسیر علمی، ۷- روش تفسیر به تاریخ.

در پایان تأکید بر این نکته را نیز لازم می‌دانم که هرگز در
صدد حصر روش‌ها در موارد هفت گانه ذکر شده نبوده‌ایم
بلکه موارد ذکر شده صرفاً به عنوان مواردی که بیشترین
حجم از روایات تفسیری را از این دیدگاه به خود
اختصاص داده‌اند، آورده شده و ممکن است روش‌های
دیگری نیز قابل ذکر باشد که چون بسیار به آن پرداخته
نشده و یا تحت یکی از روش‌های هفت گانه گذشته قرار
می‌گیرد، از ارائه جداگانه آنها خودداری گردید.

پانوشت ها

۱- روش های تفسیری از مباحث و عناوین مهمی است که مورد توجه قرآن پژوهان قرار گرفته و مخصوصاً در دهه های اخیر رویکرد تازه ای در حوزه روش شناسی تفسیر پیدا شده و بخشی از توان دانشمندان صرف تجزیه و تحلیل و معرفی روش های آن گردیده است، کتابها و مقالات متعددی در این زمینه سامان یافته اند که در ضمن آنها روش تفسیری افراد و فرقه ها به بحث نهاده شده است.

۲- اهمیت این روش تا بدانجا است که عده ای آن را بهترین روش دانسته و لزوم به کارگیری آن را قبل از هر روش دیگری گوشزد نموده و بر آن تأکید ورزیده اند. برای توضیح بیشتر و اطلاع از سخنان طرفداران این نظریه رجوع کنید به قرآن در اسلام ص ۸۷، تفسیر المیزان ج ۱ ص ۱۱، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، ج ۱ ص ۵، تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم) ج ۱ مقدمه ص ۳۹، اتقان سیوطی، ج ۲ ص ۵۵۷ و برهان زرکشی، ج ۲ ص ۱۷۵.

۳- سوره انعام، آیه ۲۰.

۴- سوره فتح، آیه ۲۹.

۵- سوره بقره، آیه ۱۹.

۶- تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۷۰۸ ح ۳۷.

۷- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۸- سوره لقمان، آیه ۱۳.

۹- تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۱۲۱ ح ۳۴۴.

۱۰- سوره نساء، آیه ۶۹.

۱۱- تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۵۱۵ ح ۳۹۳.

۱۲- سوره احزاب، آیه ۴۵.

۱۳- سوره هود، آیه ۱۰۳.

۱۴- تفسیر مجمع البیان ج ۱ ص ۳۶۶ ح ۴۶۷.

۱۵- توحید صدوق، ص ۹.

۱۶- سوره فتح، آیه ۴.

۱۷- اصول کافی، ج ۲ ص ۱۵.

۱۸- سوره انبیاء، آیه ۸۷.

۱۹- سوره فجر، آیه ۱۶.

۲۰- عیون اخبار الرضا، ج ۱ ص ۲۰۱.

۲۱- سوره اسراء، آیه ۹.

۲۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۳۷۷ ح ۳۰۶.

۲۳- سوره بقره، آیه ۷.

۲۴- سوره نساء، آیه ۱۵۵.

۲۵- تفسیر برهان، ج ۱ ص ۱۳۳.

۲۶- سوره انبیاء، آیات ۱۵-۱۱.

۲۷- تفسیر نور الثقلین، ج ۳ ص ۲۱۴ ح ۱۳.

۲۸- سوره مائده، آیه ۶.

۲۹- تفسیر

برهان ج ۲ ص ۲۶۱ ح ۲۵/۲۹۹۴.

۳۰- سوره تکوین، آیه ۸.

۳۱- تفسیر نور الثقلین ج ۵ ص ۶۶۴ ح ۱۸.

۳۲- سوره مائده، آیه ۶۲.

۳۳- تفسیر برهان، ج ۲ ص ۳۲۹ ح ۲/۳۱۹۵.

۳۴- سوره بقره، آیه ۴۶.

۳۵- تفسیر عیاشی، ج ۲ ص ۴۶.

۳۶- رجوع کنید به مصباح المنیر واژه ظن و نیز لسان العرب همان واژه.

۳۷- سوره آل عمران آیه ۱۰۴.

۳۸- سوره اعراف، آیه ۱۵۹.

۳۹- تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۳۸۰ ح ۳۱۷.

۴۰- سوره یوسف، آیه ۴۹.

۴۱- سوره نبأ، آیه ۱۴.

۴۲- تفسیر المیزان، ج ۱ ص ۲۰۳.

۴۳- سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۴۴- تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۱۱۷ ح ۳۱۸.

۴۵- سوره فرقان، آیه ۶۷.

۴۶- تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۲۹ ح ۱۰۴.

۴۷- سوره فرقان، آیه ۶۷.

۴۸- سوره نساء، آیه ۵۶.

۴۹- تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۳۹۴ ح ۳۱۳.

۵۰- سوره مطففین، آیه ۱۵.

۵۱- معانی الاخبار صدوق، ص ۱۳.

۵۲- سوره انبیاء، آیه ۲۲.

۵۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۳ ص ۴۲۸ ح ۲۶.

۵۴- سوره انعام، آیه ۱۶۴.

۵۵- تفسیر نور الثقلین، ج ۱ ص ۷۸۶ ح ۳۸۱.

۵۶- سوره معارج، آیه ۴۰.

۵۷- معانی الاخبار صدوق ص ۲۲۱.

۵۸- المنهج الاثری، ص ۱۰۱.

۵۹- سوره نحل، آیه ۱۶.

۶۰- تفسیر نور الثقلین، ج ۳ ص ۴۶ ح ۵۱.

۶۱- سوره ذاریات، آیه ۷.

۶۲- تفسیر نور الثقلین ج ۵ ص ۱۲۱ ح ۷.

۶۳- سفینه البحار، ج ۲ ص ۵۷۴.

۶۴- برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به تفسیر نمونه ج ۱ ص ۱۱۱.

۶۵- سوره یوسف، آیه ۶۵.

۶۶- تفسیر نور الثقلین، ج ۲ ص ۴۳۸ ح ۱۱۲.

۶۷- سوره فجر، آیه ۱۰.

۶۸- تفسیر نور الثقلین، ج ۵ ص ۵۷۱ ح ۶.

۶۹- سوره حدید، آیه ۱۶.

۷۰- تفسیر نور الثقلین، ج ۵ ص ۳۲۲ ح ۶۴.